

عطش سیری ناپذیر سرمایه برای سود عامل تباهی بردگان مزدی است



صدای انترناسیونالیستی

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۳ بر اثر انفجار در معدن زغال سنگ در شهر سوما در غرب ترکیه بیش از ۳۰۰ برده مزدی جان باختند، بیش از ۳۰۰ خانواده داغدار شدند، بیش از ۳۰۰ خانواده نان آور خود را از دست دادند و قربانی سود سرمایه شدند. انفجار در عمق ۱۶۰۰ متری زمین رخ داد و طبق اظهارات «بکیر ساهینز» دادستان شهر سوما، خرابی در سیستم الکتریکی عامل انفجار بوده است. بر اساس گزارشات اولیه که توسط مطبوعات فاش شده، در لحظه انفجار، میزان گاز سمی مونوکسید کربن بسیار بالاتر از حد استانداردهای ایمنی بوده است و همچنین دمای راهروهای زیر زمینی معدن بیش از حد نصاب استانداردهای ایمنی بوده، اما علیرغم همه اینها فعالیت معدن متوقف نشده بود. معدن سوما، بزرگترین معدن زغال سنگ ترکیه است. آقای «آلپ گورکان» صاحب اصلی شرکت پیش از خصوصی سازی شرکت اعلام کرده بود که توانسته است هزینه تولید را از ۱۳۰ دلار به ۲۴ دلار در هر تن کاهش دهد.

طی گزارشی که نتیجه گیری یک گروه تحقیقاتی بود و در مارس ۲۰۱۴ در روزنامه های ترکیه نیز منتشر شد به طور متوسط هر روز سه برده مزدی در ترکیه در قتل گاههائی که محل کار نامیده می شوند، جان می بازند و تنها طی ده ماه اول ۲۰۱۳، ۱۰۱۷ کارگر جان باخته اند. اما میزان جان باختن بردگان مزدی در جهنم سرمایه داری به نام ایران بالاتر از کشور ترکیه است. در ایران هر روز بطور متوسط پنج برده مزدی قربانی سود سرمایه می شوند.

«حسن هفده تن» معاون روابط کار وزارت کار به تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ در گردهمایی مدیران کل اجرایی و روسای ستادی روابط کار، وزارت کار اظهار داشت: "در سال گذشته، ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار رخ داد که بیش از یک هزار و ۸۰۰ مورد آن منجر به فوت شد."

سوالی که معمولاً پیش می آید، آیا جان باختن بردگان مزدی محصول کشورهای پیرامونی سرمایه همچون ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش و غیره است که در آنها به نیروی کار اهمیتی نمی دهند و در سرمایه داری متروپل نیروی کار از ارزش و حرمت بیشتری برخوردار است؟ آیا جان باختن و زخمی شدن بردگان مزدی در قتل گاههائی که محیط کار نامیده می شوند و از سوی چپ دستگاه سیاسی سرمایه عنوان حوادث محیط کار اطلاق می شود ناشی از بی دقتی و یا کم توجهی کارفرمایان سودجو و کوتاه اندیش در سرمایه داری پیرامونی است؟ آیا کارگران متروپل معضلی بنام جنایات محیط کار ندارند؟

برخلاف عوامفریبی های چپ دستگاه سیاسی سرمایه، جنایات محیط کار (حوادث محیط کار)، نه ناشی از بی دقتی یا کم توجهی مسئولان مربوطه یا کارفرمایان و نه محصول سرمایه داری پیرامونی بلکه محصول نظام سرمایه داری و بخشی جدائی ناپذیر از متابولیسم نظام سرمایه داری است. نظامی که در آن، هدف تولید نه رفع نیازهای بشری بلکه کسب حداکثر سود است. مسئله اساسی در این است که نیروی کار در جامعه سرمایه داری کالا است و ارزش این کالا در جامعه سرمایه داری نیز همچون هر کالای دیگری از میزان کار اجتماعاً لازم که برای بازتولید آن صرف می شود تعیین می شود. معضلات محیط کار، گاهی در کشورهای متروپل داغون کننده تر و مخرب تر از کشورهای پیرامونی سرمایه خود را نشان می دهند.

البته بعد از جنایت معدن سوما، مدیران شرکت بهره برداری معدن طی نشست مطبوعاتی از عملکرد خود دفاع کردند و اظهار داشتند که هنوز دلایل اصلی حادثه مشخص نیست، با این حال تاکید کردند که کارشناسان معدن سوما را امن ترین معدن ترکیه می دانستند. سخنگوی حزب حاکم ترکیه (حزب عدالت و توسعه) نیز پس از جان باختن کارگران معدن سوما اظهار داشت که معدن سوما از سال ۲۰۰۹ تاکنون ۱۱ بار بازرسی ایمنی شده و تخلفی از مقررات ایمنی مشاهده نشده است.



اما بدنبال گسترش اعتراضات کارگری و مردم منطقه، رجب طیب اردوغان برای آرام کردن خشم و اعتراضات به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳ به منطقه رفت. در طی دیدار اردوغان، کارگران معترض و

مردم خواهان استعفای او شدند. اردوغان و هیئت همراه او نتوانستند خشم خود را از اعتراضات کنترل کنند. یوسف یرکل از مشاوران اردوغان به یک معترض که توسط دو پلیس دستگیر شده، حمله ور شد و به ضرب و شتم او پرداخت. [۱]

بورژوازی ترکیه می خواهد با دستگیری برخی مدیران و مسئولین معدن سوما و محاکمه فرمایشی آنها، مسئولین چنین قتل عام هائی را نه سرمایه داری بلکه مسئولین معدن سوما قلمداد کنند. در این راستا مدیر عامل و هشت تن از مسئولین معدن سوما به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ بازداشت شدند.

در رابطه با قتل عام کارگران معدن سوما، اتحادیه های کارگری نیز سعی کردند نقش خود را بعنوان بازوی سرمایه در محیط کارگری ایفا کنند. اتحادیه های کارگری برای کنترل خشم و اعتراضات کارگری، اعتصابی در اعتراض به بی توجهی به شرایط ایمنی کارگران ترتیب دادند و رئیس اتحادیه «دیسک» خانم «آرزو چرقاوغلو» از شهروندان خواست که لباس سیاه بپوشند و در مقابل وزارت کار تظاهرات کنند.

چپ سرمایه نیز سعی کرد نقش خود را بخوبی ایفا کند. وظیفه سترگ خاک پاشیدن به چشم کارگران با القاب به ظاهر رادیکال در فضای سیاسی وطنی این بار نیز به گردن حکمتیستها افتاد. ناسیونال چپ های وطنی حکمتیست، تقلا کردند تا نهادهای دمکراتیک سرمایه را از زیر ضرب کارگران بیرون بکشند، کارگران را در سردرگمی قرار دهند و اعتراضات کارگری را به مجرای قانونی سوق دهند. حکمتیست ها با شیادی تمام این چنین عوام فریبی کردند:

"کجایند میلیون ها کارگر عضو سندیکاها و اتحادیه های کارگری ترکیه که مملکت را روی سرشان بگذارند، میدان تقسیم استانبول را به تصرف خود در بیاورند و شعار اول مه شان را عملی کنند." [۲]

حکمتیستهای ضد انقلابی عوامفریبی می کنند تا هویتی رادیکال و کارگری به سندیکاها و اتحادیه ها بدهند. این دشمنان طبقه کارگر در تقلایند تا نقشی مبارزه جو از اتحادیه ها بر طبقه کارگر القا کنند. بگذار یاهو های این دشمنان طبقه کارگر را فعلا کنار بگذاریم و بطور کنکرت به شرایط مشخص ترکیه برگردیم و نقش اتحادیه های کارگری ترکیه را در سرکوب مبارزات کارگری از نزدیک مشاهده کنیم.

اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی مبارزات کارگران تکل علیه سیاست اقتصادی کمپانی تکل شکل گرفت. اتحادیه های کارگری بخصوص «ترک ایش» و «تک گیدا ایش» سعی کردند مبارزات کارگران را کانالیزه کنند. کارگران وقتی فهمیدند اتحادیه ها هیچ کاری برایشان انجام نمی دهد، مبارزات مستقل خود را پیش بردند و سعی کردند اعتراضات خود را به دیگر بخش ها گسترش دهند. روزی که روسای اتحادیه «ترک ایش» جلسه داشتند، کارگران با شعارهای رادیکال علیه سران اتحادیه درهای مقر اتحادیه را شکستند تا به داخل اتحادیه راه یابند. پلیس ضد شورش سرمایه توانست «مصطفی کوملو» رئیس اتحادیه را از حملات کارگران محافظت کند. یکی از کارگران تکل از دیاربکر در یک مصاحبه ای این چنین می گوید:

"ما در برابر هر گونه تصمیمی از طرف اتحادیه که بخواهد پایان یا عقب نشینی مبارزه را اعلام کند سرخم نخواهیم کرد. و اگر بدون داشتن دستاورد و پیروزی مانند سال گذشته، تصمیمی مبنی بر پایان مبارزه گرفته شود، ما در حال فکر کردن تصمیمی هستیم تا ساختمان «ترک ایش» را تخلیه کرده و به آتش بکشیم." [۲]

باید به عوام فریبان حکمتیست گفت که وظیفه اتحادیه ها و سندیکاها خراب کردن مملکت روی سرشان نیست بلکه وظیفه آنها محافظت مملکت از حملات کارگران است. کارگران در مبارزات خود به این نتیجه خواهند رسید که اتحادیه ها بعنوان نهادهای بورژوازی دشمنان آنها هستند و با گسترش مبارزات پرولتری، اتحادیه ها اولین سنگرهای هستند که پرولتاریا به تسخیر آنها خواهد پرداخت و مبارزات خود را نه از طریق اتحادیه ها بلکه از طریق تسخیر اتحادیه ها بعنوان عامل اجرائی بورژوازی در محل کار پیش خواهد برد.

تقویت اتحادیه ها فقط خواست جناح چپ سرمایه نیست بلکه دیگر جناحهای سرمایه نیز برای کانالیزه کردن خشم و اعتراضات کارگری و همچنین تضمین انباشت سرمایه آن را توصیه می کنند. در این راستا کار بجائی رسیده است که حتی مسئولین رسمی و حکومتی بورژوازی اسلامی نیز بر ضرورت تشکل های کارگری برای متابولیسیم سرمایه پای می فشارند و اظهار میدارند که چنین تشکل هایی باید مورد حمایت قرار گیرد.

آقای حسن هفده تن معاون روابط کار وزارت کار اظهار می دارد: "یکی از غفلت های این وزارتخانه استفاده نکردن از ظرفیت های تشکل های کارگری و کارفرمایی بوده است. نه تنها باید نگاه حمایتی به تشکل های کارگری و کارفرمایی داشت بلکه باید از خلاقیت آنان نیز استفاده کرد.

وی ضمن انتقاد از نگاه مظنون آمیز به کار فرمایان تاکید کرد: این نوع نگاه‌ها و همچنین نگاه‌های تحقیرآمیز به کارگران باید اصلاح شود." [۳]

همزنجیران!

عطش سیری ناپذیر سرمایه برای سود مرزی نمی‌شناسد. تا بردگی مزدی هست، تا نظام وارونه سرمایه داری هست، توحش سرمایه داری و بربریت آن در سراسر این کرهٔ خاکی بخشی از زندگی روزانه ما خواهد بود. رهائی ما از جنایات روزانه و سیستماتیک نظام بربر سرمایه داری تنها از طریق بزیر کشیدن این نظام گندیده از طریق انقلاب کمونیستی و پایان دادن به عمر ننگین آن از طریق برپائی جامعهٔ کمونیستی میسر خواهد بود.

م جهانگیری

۲۳ خرداد ۱۳۹۳

یادداشت ها:

[۱] ویئوئی در شبکه یوتوب منتشر شده است که در آن اردوغان به یکی از معترضان سیلی می‌زند.

[۲] برای اطلاع بیشتر از داستان نبردهای کارگران تکل علیه دولت و اتحادیه‌ها به سایت جریان کمونیست بین‌المللی مراجعه کنید.

[۳] <http://tnews.ir/news/6EDE25587963.html>